

نقش فرهنگ و اخلاق اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده

مسعود سلیمی عزیزآبادی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مسعود سلیمی عزیزآبادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

چکیده

خانواده کوچک‌ترین اجتماع انسانی است که روابط اعضای آن در درجه نخست از پیوندی عاطفی و خونی برخوردار است که این رابطه تکالیف و حقوق خاصی را ایجاد می‌کند. جهت گیری درست برای زندگی مشترک از آداب اساسی زندگی خانوادگی است. یافتن و داشتن اسوه و چهار چوب‌های فکری، کرداری و گفتاری در روابط خانوادگی برای هر انسانی توفیقی در جهت تکامل هر چه بهتر اوست. از سویی محک اخلاق انسان در خانواده است خانواده تلاش می‌کند تا بر اساس اخلاق اسلامی محبت خود را دردل یکدیگر جا کنند تا باعث سعادت خانواده خود شوند نقش، همسری، پدری، مادری، فرزندی برادری و خواهری نقشهایی هستند که در خانواده وجود دارد. این نقشها رابطه‌ای حقوقی را میان اعضای خانواده پدید می‌آورد. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نقش بسیار مهم و حیاتی در سلامت روانی جامعه و خانواده دارند. توجه به نقش و اهمیتی که اسلام برای جایگاه زنان تعیین کرده زنانی که به معنویات و رشد و سعادت اخروی خود اهمیت بیشتری می‌دهند همواره فرزندان آرام‌تر و با رفتارهای درست و سازگاری اجتماعی بیشتری را تربیت می‌کنند. زن در جامعه‌ی اسلامی و در نتیجه‌ی تربیت مکتب والای، اسلام ضمن بازیافتن مقام والای خویش در کانون گرم خانواده به تربیت و پرورش انسانهای متدین و تلاشگر می‌پردازد در این راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده انجام شده است تحقیق حاضر در شمار مطالعات کاربردی قرار دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، شخصیت زن، خانواده.

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری، به عنوان اصلیت‌ترین نهاد اجتماعی؛ زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است، پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است.

اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. دستیابی به این اهداف والای مکتب اسلام و حفظ و حراست دقیق و مستمر از آن، نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین مربوط به آن در اسلام است و ضروری است کلیه برنامه ریزی‌ها و سیاست گذاری‌ها در تمام سطوح، حق مدارانه و ملهم از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد [۱].

پس از مسائل اعتقادی و بینشی دومین بخش از معارف اسلام، مسائل اخلاقی ارزش‌های انسانی است بنابراین منابع دینی اسلام توجه ویژه‌ای به اخلاق، مسائل اخلاقی و رعایت اخلاق در اندیشه و عمل دارد و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت مسائل اخلاقی است یک مسئله اساسی و زیربنایی می‌داند که دیگر برنامه‌های انسانها از آن نشئت می‌گیرد و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی فرد خانواده و جامعه هدفی است که ادیان آسمانی آن تکیه می‌کنند و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفسد و پدیده‌های ناپه‌نجان می‌شمرند [۲].

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حدیث معروفی می‌فرماید: «من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام و بر این مضمون، به علت اهمیتی که داشته است با عبارتهای مختلف و متعددی تأکید ورزیده‌اند. استفاده از تعبیر «انما که در ادبیات عرب برای حصر به کار برده می‌شود نشان می‌دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسانها خلاصه آن حضرت کامل‌ترین علوم می‌شود همچنین.

مردم از نظر ایمان را کاملترین آنان از جهت اخلاق می‌دانند. حضرت علی علیه السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نداشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند [۳].

این احادیث به خوبی نشان دهند فضایل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به منزله کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد. رعایت اخلاق و عمل بر اساس دستورهایی، اخلاقی یک امر خصوصی در زندگی شخصی نیست که فقط یک مسئله مقدس روحانی و معنوی باشد و تنها برای زندگی آخری فایده داشته باشد بلکه همه مسائل اخلاقی آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری و انسانی دارد که بدون آن زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. درست است که زندگی فرد نیز بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد، ولی مهم‌تر از زندگی فردی، خانواده و زندگی اجتماعی است که با حذف و یا کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی، به سرنوشت نامطلوبی گرفتار و کارآمدی خانواده دچار اختلال می‌شود. تلاش برای عمل به مقررات و قوانین، بدون پشتوانه اخلاق، در خانواده و هیچ جای دیگر ثمری ندارد. در مقابل ایمان و، اخلاق بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند [۲].

امروزه مباحث مربوط به زنان در اولویت قرار دارد زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نقش بسیار مهم و حیاتی در سلامت روانی جامعه و خانواده دارند.

ادیان الهی بر نقش زنان در صحنه خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده و او را مکمل مردان در نقش آفرینی جهت سیر تمدن بشری شناسند. مکتب اسلام در پرتو راهنماییهای قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرم اسلام به زن آن چه را که شایسته‌ی او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شوون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهای به ودیعت نهاده شده، در تمام میدان‌ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند مطالعات زیادی در زمینه در داخل انجام کند. گرفته از جمله

مهدوی راد در سال ۱۳۹۰ در تحقیقی با عنوان شخصیت زن از دیدگاه اسلام پرداخته و به این نتیجه رسیده که زن و مرد از هویت واحد برخوردارند و زنان به سان مردان قابلیت رشد و استكمال دارند نوری در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان نقش فرهنگی و اجتماعی زن در توسعه پایدار پرداخته و به این نتیجه رسید که در اغلب کشورهای جهان، زمینه و عرصه حضور زنان در بستر توسعه فراهم گردیده است و زنان به عنوان نه تنها به عنوان یک جنسیت، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیتهای متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی - تخصصی و نیز با فرصتهایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنان قرار می‌دهد، به نقش آفرینی در عرصه توسعه می‌پردازند [۴].

اخلاق اسلامی در خانواده

صبر و کارآمدی خانواده

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارضهای فراوانی است. اگر انسان در برابر آنها بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچگاه به مقصد نخواهد رسید. از اینرو در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. در قرآن کریم نیز شرط مهم پیروزی مجاهدان راه خدا صبر شمرده شده است. خداوند خطاب به مجاهدان می‌فرماید: «هرگاه بیست نفر صبور و بااستقامت از شما باشد، بر دویست نفر غلبه می‌کند و اگر یکصد نفر باشند، بر هزار نفر از کافران پیروز می‌گردند». (انفال: ۶۵) خداوند صبر را عامل افزایش توانایی و نیروی مقابله با سختی‌ها می‌داند؛ هفتاد آیه در مورد صبر و آثار آن در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی از طرف خداوند متعال نازل شده است. به اعتقاد برخی از مفسران، هیچیک از فضایل انسانی به این اندازه مورد تأکید قرار نگرفته است [۵]. این نشان می‌دهد که قرآن برای این فضیلت اخلاقی و عملی اهمیت فراوانی قائل است و آن را عصاره همه فضیلت‌ها و خمیرمایه همه سعادت‌ها و ابزار رسیدن به هرگونه خوشبختی و سعادت می‌داند. اگر انسان و خانواده ویژگی اخلاقی صبر را نداشته باشد و به آن عمل نکند، هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهد رسید و کارآمد نخواهد بود.

حضرت علی علیه السلام صبر در کارها را به منزله سر در بدن می‌داند و می‌فرماید: «همچنانکه اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، هرگاه صبر نیز در کارها نباشد، کارها تباہ می‌گردد». در خانواده گاهی اعضا با ناکامی‌هایی روبه رو می‌شوند و یا برآورده شدن خواسته‌ها نیازمند گذشت زمان است؛ همچنین گاهی آسیب‌های بدنی برای آنان پدید می‌آید و در بسیاری از موارد روابط بین آنان به هم می‌خورد و زمینه بروز اختلاف و رفتارهای نامناسب در خانواده فراهم می‌شود؛ در صورتی که اعضای خانواده از مهار خویش ناتوان باشند و بردباری و تحمل در برابر مشکلات نداشته باشند، خانواده به شدت آسیب می‌بیند و نه تنها نیاز خود فرد برآورده نمی‌شود، بلکه برای دیگران نیز مشکل ساز می‌شود. فشار روانی، اولین نتیجه بیصبری در برابر فشارهاست. فرد صبور می‌تواند با صبر در مقابل حوادث پیش‌آمده، موفقیت و کارآمدی خانواده را حفظ کند؛ در حالی که واکنش فوری و بدون اندیشه در برابر رفتارهای نامناسب دیگران سبب پشیمانی می‌شود. اما صبر به فرد امکان می‌دهد در زمان مناسب، رفتار و واکنش مناسب و متناسب با رفتار فرد خطاکار را از خود نشان دهد [۶].

بنابراین صبر نه تنها عامل تضمین کارآمدی خانواده است، بلکه کارآمدی جامعه انسانی را نیز تأمین می‌کند. اینکه خداوند می‌فرماید صبر عامل پیروزی مجاهدان است، تنها ثمره صبر منحصر به جبهه جنگ و مجاهدان نیست، بلکه در همه عرصه‌های زندگی، انسان به صبر و مقاومت نیاز دارد تا به پیروزی برسد. پیروزی در خانواده بدین معناست که انسان با تشکیل خانواده کارآمد، به کمال و بالندگی برسد.

راستگویی و کارآمدی خانواده

در قرآن کریم درباره اهمیت راستگویی تعبیرات کم نظیری آمده است. خداوند می‌فرماید راستی و راستگویی مؤمنان سبب یاری آنان در دنیا و نجاتشان در قیامت می‌شود و پاداش آن را بهشت و رضایت خود از راستگوییان می‌داند. (مائده: ۱۹) در روایات نیز به این فضیلت اخلاقی اهمیت فراوانی داده شده است. از روایات استفاده می‌شود که همه فضیلت‌های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرد و کلید همه خوبی‌ها راستگویی و کلید همه بدی‌ها دروغ و دروغگویی است. امام صادق علیه السلام

راستگویی را نوری می‌داند که جهان اطراف خود را روشن می‌کند؛ مانند آفتابی که هرچه در معرض تابش آن قرارگیرد، روشن می‌شود، بدون آن که نقصی در آن وارد شود [۷].

براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، راستی و راستگویی در کارآمدی تمام بخشهای زندگی انسان مؤثر است و توجه به این آثار، انگیزه انسان برای گرایش و عمل به این فضیلت بزرگ اخلاقی را افزایش می‌دهد. نخستین تأثیری که این فضیلت دارد، مسئله جلب اطمینان و اعتماد در همکاری‌های جمعی است. اساس زندگی انسان را کار گروهی و دسته جمعی تشکیل می‌دهد و بدون همکاری جمعی، کارهای مهم و باارزش انجام نمی‌شود و یا اینکه پیشرفت آن کاهش می‌یابد. پیشرفت کار گروهی بدون اعتماد و اطمینان در بین اعضای گروه امکان ندارد [۸]. اعتماد و اطمینان نیز در صورتی حاصل می‌شود که صداقت و امانت در میان آنان حاکم باشد. همچنین تفاوتی میان فعالیت‌های علمی، فرهنگی، پرورشی، حقوقی، اقتصادی و غیره وجود ندارد. یک دانشمند، مربی، مدیر، سیاستمدار، فرزند و همسر اگر چند بار به دیگران و کسانی که با آنها رابطه دارد دروغ بگوید، بهسرعت نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد و کارآمدی او در اجتماع به ویژه اجتماع کوچک خانواده دچار اختلال و ضعف می‌شود.

راستگویی تأمین کننده سلامت و بهداشت روان است و به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد، درحالی که دروغ و دروغگویی همیشه انسان را در هاله‌ای از ترس فرو می‌برد و پیوسته از این هراس دارد که دروغهای او آشکار گردد. فردی که از بهداشت روان برخوردار نیست، نمی‌تواند در جهت کارآمدی خانواده خود گامهای جدی بردارد. صدق در گفتار و صداقت در کردار، انسان را محبوب دلها و مورد اعتماد اعضای خانواده خود و جامعه انسانی می‌گرداند. برعکس، تظاهر، ریا، نفاق و دروغگویی فرد را در جامعه بیاعتبار و نزد خداوند مطرود می‌سازد و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی را با به وجود آوردن جو بیاعتمادی از هم می‌گسلد. همچنین خود فرد دچار شخصیت دوگانه و متضاد می‌گردد و هنگام آشکار شدن دروغ‌ها گرفتار رنج و عذاب وجدان می‌شود. اما افراد صادق و درستکار، دارای آرامش روان و احساس ایمنی هستند؛ زیرا چیزی جز آنچه می‌نمایند، نیستند تا از فاش شدن چهره پنهان خود نگران باشند [۹].

در تحلیل روانشناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی اینکه فرد با صراحت و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطحی برقرار می‌شود؛ بهگونه‌ای که مفاد سخن شخص چیزی است و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش امر دیگری است. در چنین موقعیتی مخاطب به دریافتی که از کلام یا رفتار خود دارد، پاسخ می‌دهد، ولی آنگاه که متوجه شود انگیزه شخص امر دیگری بوده است، در پاسخ به رفتار و گفتارهای بعدی او سردرگم می‌شود؛ گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه و یا انگیزه‌های محرک رفتار غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجه بیشتر به انگیزه‌های احتمالی، دچار واکنش نامناسب می‌شود. اینگونه ارتباط، از ویژگیهای رفتارها و گفتارهای اعضای خانواده ناکارآمد است.

بنابراین، برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و بالندگی و کارآمدی آن، باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم و حرکات بدن واضح و شفاف باشد و فرد را دچار سردرگمی نکند. باید سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و آهنگ صدا هماهنگ باشد، بلکه روایتگر انگیزه و حالات ناهشیار نیز باشد. در واقع، همه ابعاد روانشناختی فرد اعم از عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه، کارآمد و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی، تعهد، شایستگی و خلاقیت داشته باشند؛ به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات، بر کارآمدی خانواده بیفزایند [۱۰].

محبت در خانواده

از نظر اسلام، محبت بیشترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد. روایاتی که در مورد محبت از ائمه هدی علیه السلام وارد شده است، به روشنی اثبات می‌کند که جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل گیرد. محبت مؤثرترین عامل پرورش انسانهای شایسته، و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فردی، اجتماعی و مادی و معنوی است. محبت به قدری شیرین و لذتبخش است که با کمک آن می‌توان همه تلخی‌های زندگی و بسیاری از ضعف‌ها و نابسامانی‌ها و مشکلات کوچک و بزرگ فردی و اجتماعی را جبران کرد. در حدیثی حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «هیچ

چیز مانند محبت شیرین نیست». از دیدگاه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وقتی دوستی برقرار شود، مشکلات و کمبودها به آسانی قابل تحمل است. آن حضرت در این باره با کنایه می‌فرماید: «هیچ مجلسی برای نشستن دو دوست، تنگ نیست». عنصر محبت، آنقدر برای تحقق برنامه‌های دینی و هدایت انسانها مؤثر دانسته شده است که امام باقر علیه السلام دین اسلام را چیزی جز محبت نمی‌داند. خداوند متعال در سوره روم، مهر و محبت را از آثار قدرت و نعمتهای بزرگ برشمرده و می‌فرماید: «یکی از نشانه های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و در میانتان محبت و مهربانی برقرار کرد و هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه ها و عبرتهایی وجود دارد». (روم: ۲۱)

همه انسان‌ها نیازمند دوستی و محبت هستند و دوست دارند محبوب دیگران باشند. وقتی فرد بداند محبوب دیگران نیست، خود را تنها و بیچار و یاور می‌داند و نمی‌تواند استعدادهای خود را شکوفا سازد و در راه رسیدن به کمال قدم بردارد. این احساس غریزی در زن و مردی که با هم تشکیل خانواده داده‌اند و از «من» بیرون آمده و به «ما» رسیده‌اند، بیشتر احساس می‌شود. پیش از ازدواج، هر یک از زن و مرد از محبت‌های فراوان پدر و مادر خود برخوردار بوده‌اند و آنگاه که با هم پیمان ازدواج می‌بندند، انتظارات آنان نسبت به دریافت محبت تغییر می‌کند و منتظرند تا از طریق رشته دوستی جدید نیز محبت دریافت کنند. هر یک از زن و مرد انتظار دارند طرف مقابل، او را از صمیم قلب دوست داشته باشد و علاقه مندی و محبتی دوطرفه برقرار شود. در این میان، زن که موجودی عاطفی و کانون محبت است، بیشتر نیاز به محبت همسرش دارد؛ زندگی او وابسته به عشق و علاقه است و هرچه محبوبتر باشد، شادابتر خواهد بود و برای به دست آوردن محبوبیت تلاش می‌کند؛ اما اگر احساس کند محبوب همسرش واقع نشده، خود را شکست خورده و بی‌اثر می‌پندارد. محبت دوطرفه، زن و مرد را به زندگی دلگرم و کانون خانواده را استوار، مستحکم و کارآمد می‌سازد. پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند» و در مورد مردها می‌فرماید: «هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می‌کند و نیز هرچه ایمان انسان کاملتر باشد، محبت به همسرش را بیشتر می‌کند» [۱۱].

شکسپیر نیز می‌گوید: «آنچه در زن قلب مرا تسخیر می‌کند، مهربانی اوست نه روی زیبایش، من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربانتر باشد».

در خانواده‌های که مهر و محبت وجود دارد و زوجین با آرامش، آسایش و علاقه‌مندی به یکدیگر در آن زندگی می‌کنند با توانمندی بیشتری می‌توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. وقتی فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد، روح او نیز آرام است و بهتر رشد می‌کند و با الگوگیری از والدین خود، در آینده همسری مهربان و کارآمد خواهد بود و خانواده‌های کارآمد نیز تشکیل خواهد داد. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌های پر از شور و نشاط و کارآمد شکل می‌گیرد [۱۲].

آنچه سبب ناکارآمدی خانواده و طلاق عاطفی می‌شود، نبود و یا کمبود محبت بین اعضای آن است. وقتی محبت نباشد، اعضای خانواده به خانه و یکدیگر دلبستگی پیدا نمی‌کنند و از نظر روانی جدای از یکدیگر زندگی می‌کنند. محبت، مانند قانون جاذبه زمین در این جهان است. همانطوری که این جهان، از اتم گرفته تا کهکشانها بر اساس قانون جاذبه پابرجاست، خانه و خانواده نیز بر اساس قانون محبت استوار می‌گردد. همان گونه که اگر یک لحظه قانون جاذبه از جهان برداشته شود، نظم آن به هم می‌خورد و به‌طور کلی جهان طبیعت نابود می‌شود، اگر در خانه نیز محبت نباشد، آن خانه نابودشدنی است. اگر محبت در خانواده نباشد و اعضای آن نیاز خود به محبت را ارضا نکنند، هیچ یک از اعضا نمی‌توانند وظایف مطلوب خود را انجام دهند و در نتیجه کارکرد خانواده و کارآمدی آن به ناکارآمدی تبدیل می‌شود. همانگونه که اجزای یک ساختمان بدون ملاط به هم نمی‌چسبند و ساختمان پابرجا نمی‌شود، بنا و نظام خانواده نیز چنین است و ملاط آن محبت و رحمت است مرد یا زنی که کمبود محبت داشته باشد، برای تأمین سعادت و رفاه خانواده‌اش فداکاری و کوشش نمی‌کند و انرژی خود را صرف اموری می‌کند که ممکن است زمین‌هساز ناهنجاری و فساد در خانواده و جامعه شود. یکی از اموری که سبب کارآمدی می‌شود، اعتماد متقابل زوجین و وفاداری نسبت به یکدیگر است و زمانی که محبت در کار نباشد احساس وفاداری و اعتماد تحقق نمی‌یابد [۱۳].

تکریم و کارآمدی خانواده

از آموزه‌های مهم دین اسلام در برخورد و برقراری رابطه با انسان‌ها، توجه به کرامت و ارزش آنان، و تعلیم آن به دیگران است؛ تا جایی که نسبت به غیرمؤمنین و غیرمسلمانان نیز به این امر اهتمام داشته‌اند. این اخلاق نیکوی پیامبر و امامان معصوم‌علیهم‌السلام باعث شده بود که افراد لجوجی که جاهلانه با پیامبر و دین مخالفت می‌کردند، به سبب اخلاق بزرگوارانه پیامبر و اهل بیتش شیفته آنان شده، به دین اسلام مشرف شوند. رعایت این ادب اسلامی در خانواده که اجتماعی کوچک و نقش‌آفرین است، آثار مهمی بر جای می‌گذارد و در ایجاد فضایی سالم و کارآمد کارساز است.

به طور کلی، رفتارهای اجتماعی و روابطی که انسان‌ها با هم برقرار می‌کنند، تابع دو مبنا است: الف) مبنای «کرامت»؛ ب) مبنای «اهانت». بر اساس این دو نوع نگرش، روابطی که انسان‌ها و اعضای خانواده با هم دارند، یا مبتنی بر «تکریم» و گرمی داشتن یکدیگر است و یا مبتنی بر «استخفاف» و حقیر شمردن. در نگاه اول، همسر و فرزندان موجوداتی با ارزش، شریف و صاحب کرامت ذاتی‌اند و در نگاه دیگر، آنان بی‌ارزش، حقیر و فاقد کرامت ذاتی هستند [۱۴].

رفتار ما با اعضای خانواده خود تابع مبنای فکری ما است؛ انسان را هرگونه تلقی کنیم، همان‌گونه با او برخورد می‌کنیم؛ اگر انسان را موجودی صاحب کرامت بدانیم، تلاش می‌کنیم این کرامت را در او تقویت کنیم و به عکس؛ اگر دیگران را بی‌کرامت بدانیم، آنان را کوچک شمردن، مورد اهانت و تحقیر قرار می‌دهیم. بنابراین، می‌توان گفت در برخورد با دیگران دو دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاه «دینی» که انسان را با کرامت می‌داند و نحوه برخورد او با دیگران را، برخورد همراه با تکریم می‌خواهد؛
۲. دیدگاه «غیر دینی» که کرامتی برای انسان قائل نیست و تنها برای اینکه از او بهره‌برداری کند، با او رابطه برقرار می‌سازد و برخوردش تحقیرآمیز است.

گروه اول، در سیره و رفتار خانوادگی خویش، تکریم و احترام به حقوق اعضای خانواده را روش و منش خویش قرار داده‌اند و از خانواده‌ای کارآمد و بالنده برخوردارند. اما گروه دوم توجهی به کارآمدی خانواده خود ندارند و تنها به دنبال دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود هستند. اعضای این خانواده، افزون بر تحمل رنج تحقیر، از بهداشت روان مناسب نیز برخوردار نیستند. در این بخش به چند نمونه از رفتارهای کریمانه‌ای که تأثیر زیادی در برقراری روابط سالم خانوادگی و ایجاد امنیت روحی و روانی در بین اعضای خانواده و کارآمدی آن دارد، اشاره می‌شود. امید است با الگوگیری از ائمه هدی بتوانیم رفتارهای کریمانه را الگوی اعمال، رفتار و گفتار خود قرار دهیم و خانواده‌ای کارآمد و بالنده تشکیل دهیم و روزه‌روز بر بالندگی آن بیفزاییم [۱۵].

الف. احترام متقابل

تمام انسان‌های بهنجار، خود و تمام جنبه‌های وجودی خود را دوست دارند و خدشه‌دار شدن آن را تحمل نمی‌کنند و به عواملی که یکی از جنبه‌های وجودی آنان را مورد تعرض قرار دهد، واکنش منفی نشان می‌دهند و برای حفظ آن از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. شخصیت و حرمت، خود یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فردی است که به شدت به آن علاقه دارد و می‌خواهد که دیگران به‌ویژه همسر و اعضای خانواده آن را محترم بشمارند و اگر کسی به شخصیت او احترام نگذارد، رشته محبت خود را با او قطع کرده و میان آنان فاصله ایجاد می‌شود. در حقیقت، حفظ حرمت و شخصیت اعضای خانواده در گرو احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود [۱۱].

رعایت احترام متقابل سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. نیاز به احترام، در زن و مرد تفاوتی ندارد و هر دو نیاز دارند که دیگری به او احترام بگذارد و هرگز نباید به سبب ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که زوجین با هم برقرار می‌کنند، از احترام به یکدیگر غفلت کنند. به همین دلیل، و برای اینکه روابط آنان به ارتباطی عادی و سرد تبدیل نشود، موظف به رعایت احترام متقابل و حفظ جایگاه شخصیتی یکدیگر هستند. در منابع دینی، رعایت احترام زن توسط مرد جزو حقوق او شمرده شده است و زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند، مورد لعنت قرار گرفته است.

در خانواده‌ای که رفتارهای اعضای خانواده احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط صمیمانه و نزدیک خواهد بود. روابط صمیمی، مانع بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها می‌شود. چنین خانواده‌ای با نشاط و علاقه به اداره زندگی خود می‌پردازد و بدین ترتیب زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی اعضا و کارآمدی آن فراهم می‌شود [۶].

از سوی دیگر، بی‌احترامی به افراد، در آنان احساس حقارت به وجود می‌آورد. احساس حقارت در اعضای خانواده، زمینه‌ساز ناکارآمدی و مانعی بر سر راه بالندگی و کمال است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرده دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود. کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امیدی نداشته باش». از انسان‌های پست، انتظار خیر و صلاح نمی‌رود؛ زیرا که از پست، پستی خیزد و از تحقیر شده، بدی. همچنین امام هادی علیه‌السلام فرمود: «انسانی که نفسش خوار شود، از شر او ایمن مباش». حتی خودبینی و خودخواهی و تکبر که سرآغاز تباهی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است، معلول حقارت نفس است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هیچ‌کس به خوی (ناپسند) تکبر مبتلا نمی‌شود، مگر به سبب خواری و ذلتی که در درون خود احساس می‌کند».

ب. مدارا با یکدیگر

مدارا با دیگر انسان‌ها نیز در پرتو توجه به تکریم آنان معنا پیدا می‌کند. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در وصف مدارای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «پیامبر همیشه (و با همه افراد) خوش‌رو و خوش‌خوی بود، و خشونت و درشت‌خویی در رفتارهای ایشان مشاهده نمی‌شد» [۱۵].

امام علی علیه‌السلام که دست‌پرورده مکتب رسول خدا و پیرو سنت و سیره ایشان بود، مدارا را سرلوحه برنامه‌های عملی و سیره خانوادگی و اجتماعی خویش قرار داده بود و می‌فرمود: «کسی که در امور خویش، سیره مدارا و سبک رفتی و ملایمت و نرمی را پیش گیرد، به آنچه از دیگران انتظار دارد خواهد رسید»؛ زیرا مدارا رفتاری اخلاقی، اجتماعی و اسلامی است که از گسترش مخالفت‌ها، دشمنی‌ها و کینه و حسادت جلوگیری می‌کند. با رفق و مدارا، شدت مخالف‌ها کاهش می‌یابد. آن حضرت معتقد بود تحقق زندگی شیرین و خانواده‌ای کارآمد، در گرو مدارا با یکدیگر است و نیز فرمود: «انسان عاقل و با تدبیر کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد» و با استفاده عاقلانه و مدبرانه از مدارا در روابط خود با همسر و فرزندان، زندگی درست، منظم و سالمی را پی‌ریزی کند.

سلام کردن و کارآمدی خانواده

در میان همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مردم به هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر، برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز خوشامدگویی و برای شروع گفت‌وگو با یکدیگر، راه و روش خاصی ابداع کرده‌اند و برای این منظور با واژه‌ها و حرکات به صورت قراردادی این مقصود را می‌رسانند. در سنت اسلامی، برای تأمین این منظور سلام کردن به یکدیگر، مضافه (دست‌دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «سلام، تحیت و درود ملت ما است». سلام کردن، از دستورات الهی قرآن کریم است. خداوند می‌فرماید: «هرگاه به خانه‌ها وارد شدید، به یکدیگر سلام کنید و این تحیت و درودی پاک و مبارک از جانب خداوند است». (نور: ۶۱)

در آموزه‌های دینی بر این امر مهم، و جایگاه آن در سلامت و امنیت روحی و روانی و کارآمدی خانواده و جامعه انسانی تأکید شده است که اولین گام ارتباط، با سلام شروع می‌شود. در اسلام، به مؤمنان سفارش و تأکید شده است که به یکدیگر سلام کنند. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به زنان و کودکان نیز سلام می‌کردند. سلام با سلامتی هم‌خانواده است و مفهومش این است که هیچ خطر و تهدیدی از سوی سلام‌کننده، متوجه مخاطب او نیست. این شعار اسلامی که اعضای خانواده‌های مسلمان به منزله تحیت و تعارف به هنگام روبه‌رو شدن و ملاقات با هم دارند، در دیگر اقوام و ملت‌ها به گونه‌هایی دیگر است. سفارش اسلام به سلام، در ابتدای ارتباطات انسانی و به‌ویژه خانوادگی، منطبق و سازگار با فطرت انسان است [۹].

در واقع، سلام که یک تحیت و تعارف رسمی اسلامی است، به معنای دعا و درخواست همین امنیت، سلامتی و آرزوی موفقیت و کمال مخاطب است. از این‌روی، در قرآن کریم، در برخی موارد واژه سلام با کلماتی که معنای امنیت دارند، همراه است که این

تقارن لفظی، خود قرینه تقارن مفهومی سلام و امنیت است؛ «اوست خدایی که جز او خدایی نیست. او سلطان مقتدر جهان است؛ پاک از هر عیب و آلائش است؛ امنیت بخش و نگهبان جهانیان و قاهر و مقتدر و جبار است». (حشر: ۲۳) در آیه دیگری می خوانیم که در روز قیامت به مؤمنان گفته می شود: «با سلامتی و در حال امنیت وارد بهشت شوید». (حجر: ۴۶) احساس امنیت و آرامش است که انسان را به کار و تلاش وادار می کند. بدون آرامش و تلاش، هیچ گاه مسیر حرکت به سوی کمال هموار نمی شود. کارایی و کارآمدی در هر زمینه ای نیازمند آرامش و آسایش است و خانواده به عنوان کانون آرامش با احساس امنیتی که در اعضای آن ایجاد می شود می تواند به سوی کمال حرکت کند و کارآمدی خود را تضمین کند [۱۴].

دلسوزی و مهربانی و کارآمدی خانواده

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «آن که نسبت به دیگران ترحم و رحمت نداشته باشد، مورد رحمت خدا قرار نمی گیرد» «و آن که اهل رحمت نباشد، انتظار رحمت نداشته باشد» مناسبات خانوادگی و اجتماعی در فضای ارتباطی همراه با محبت و از سر رحمت اصلاح می شود. او رسول رحمت بود و مؤکداً می فرمود: «آن که نسبت به کوچک (کودکان) ما رحمت نداشته باشد و بزرگ ما را گرامی ندارد، از ما نیست» [۱۱].

رفتار محبت آمیز، روح و روان انسان را از هرگونه گرد و غبار و پلیدی پاک و تطهیر و سلامت آن را تأمین می کند انسان در پرتو این طهارت و سلامت، با آسایش و آرامش، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی به کار می بندد و در مقابله با آسیب های روانی و اخلاقی، چون دژ محکم و استوار می ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه جاننش نمی دهد. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که مؤمنان را با کلمات محبت آمیز خویش احترام نماید و اندوه او را بزدايد، تا زمانی که این حالت و احساس در او باقی است، پیوسته در سایه رحمت خدا خواهد بود».

پیامبر و معصومان علیهم السلام به بزرگ سالان و کودکان مهربانی می کردند و بر محبت به کودکان تأکید فراوان داشتند. از این روی، آن حضرت می فرمود: «با فرزندان خود با کرامت برخورد کنید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید». تأکید حضرت بر احترام به فرزندان و رعایت برخوردهای احترام آمیز با آنان، برای این است که شرافت ذاتی آنها سرکوب نشود. رفتار مبتنی بر روش های پسندیده و گرامی داشتن کودکان، از آنها افرادی مستقل، آزاده، باشرف و صاحب فضیلت می سازد. اگر کودک کرامت دید و به شخصیت حقیقی اش احترام گذاشته شد، با شخصیت و بافضیلت می شود و چنانچه مورد تحقیر و اهانت قرار گیرد، رشد فضایل در او متوقف شده، به انحراف و کجی می گراید و مانع رشد کارآمدی خانواده و اعضای آن می شود؛ چه بسا گاهی اوقات تأثیر انحراف یک عضو خانواده تمام اعضای آن را دچار بحران و مشکل می کند و از مسیر مستقیم به انحراف می کشاند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «وقتی نام فرزندان را می برید، او را گرامی دارید و جای نشستن را برای او توسعه دهید (و احترامش کنید) و نسبت به او رو ترش نکنید» [۱۳].

ایشان تمام کودکان را گرامی می داشت و وقتی کودک خردسالی را برای دعا یا نام گذاری می آوردند، حضرت برای احترام او را به آغوش می گرفت و در دامن خود می نهاد. گاهی اتفاق می افتاد که کودک در دامن پیامبر ادرار می کرد؛ کسانی که ناظر بودند، در مقابل این رفتار کودک فریاد می زدند و تندی می کردند تا او را از ادرار باز دارند اما پیامبر آنان را منع می کرد و می فرمود با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید. زمانی که دعا یا نام گذاری تمام می شد، اولیای کودک با شادی کودک خود را می گرفتند، در حالی که کمترین آزردهی خاطر به علت ادرار کردن کودکان در پیامبر احساس نمی کردند. وقتی اطرافیان کودک می رفتند، پیامبر لباس خود را تطهیر می کرد. آن حضرت با این رفتار خود به دیگران آموختند که نجاست از دامن رسول خدا پاک می شود، اما برخورد تند با عمل طبیعی کودک، از دل او پاک نمی شود و بهداشت روان او را به خطر می اندازد.

پیامبر این گونه به کودکان احترام می گذاشت و به آنان مهربانی می کرد. در روایت دیگری جریان زیبایی از نماز پیامبر و مهربانی به کودکان نقل شده است؛ پیامبر در یکی از روزها که برای نماز جماعت آمده بود، امام حسن علیه السلام نیز که در آن زمان کودک خردسالی بودند با آن حضرت به مسجد آمده بود. پیامبر کودک را کنار خود نشانده و به نماز ایستاد در بین نماز یکی از سجده ها را خیلی طولانی کرد، راوی حدیث می گوید: من سر از سجده برداشتم، دیدم حسن از جای خود برخاسته و روی دوش پیامبر نشست است. وقتی نماز تمام شد، نمازگزاران سؤال کردند ای رسول خدا! چنین سجده ای از شما ندیده بودیم، گمان کردیم وحی

به شما رسیده است؛ آن حضرت در جواب فرمودند: «وحی نرسیده بود، فرزندم حسن در حال سجده بر دوشم سوار شد؛ نخواستیم شتاب کنیم و کودک را بر زمین گذارم، آن قدر صبر کردم تا خود از شانهم پایین آمد». دربارهٔ مهربانی پیامبر به کودکان نیز نقل شده است که روزی ایشان نشسته بود، حسن و حسین علیه السلام وارد شدند؛ حضرت چون آنها را دید، به احترامشان از جا برخاست و به انتظار ایستاد. کودکان در راه رفتن ضعیف بودند، لحظاتی چند طول کشید، ولی نرسیدند. رسول اکرم به طرف کودکان رفت و با استقبال از آنان آغوش باز کرد و هر دو را بر دوش خود سوار کرد و به راه افتاد و در همان حال می‌گفت: «فرزندان عزیز! مرکب شما چه مرکب خوبی است و شما چه سواران خوبی هستید» [۱۴]. رفتار پیامبر همیشه، در همهٔ حال و با همهٔ کودکان از روی مهربانی بود. وقتی آن حضرت از سفر بر می‌گشت و در راه با کودکان مردم برخورد می‌کرد، به احترام آنها می‌ایستاد؛ سپس امر می‌فرمود کودکان را می‌آوردند و از زمین بلند می‌کردند و به آن حضرت می‌دادند. رسول خدا بعضی را در آغوش می‌گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خود نیز می‌فرمود به کودکان مهربانی کنید و آنان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید. کودکان از این رفتار محبت‌آمیز بی‌اندازه خوشحال می‌شدند و این خاطرات شیرین را هرگز فراموش نمی‌کردند. آن‌گاه که عضوی از اعضای خانواده چنین مورد تکریم و احترام و اظهار مهربانی قرار گیرد، از بودن خود با این خانواده احساس رضایت دارد؛ به اعضای خانواده خود اطمینان و اعتماد پیدا می‌کند و با عمل به راهنمایی‌های تربیتی آنان و با استفاده از توانمندی‌هایی که دارد، بر کمالات و رشد همه‌جانبهٔ خود می‌افزاید. رشد همه‌جانبهٔ هر یک از اعضای خانواده، همان کارآمدی نظام خانواده است.

وقتی دربارهٔ مهربانی به کودک در منابع و آموزه‌های دینی تا این اندازه تأکید شده است و این قدر آثار مطلوب دارد، بی‌شک مهربانی و دلسوزی نسبت به بزرگسالان و همسر که به مرحلهٔ رشد انتزاعی رسیده‌اند و رفتارهای دیگران را تجزیه و تحلیل می‌کنند، آثار ارزشمندتری به دنبال خواهد داشت. آن‌گاه که همسران نسبت به یکدیگر احساس مهربانی کنند، تلاش آنان برای کارآمد ساختن نظام خانواده افزون خواهد شد. پس مهربانی و دلسوزی مخصوص کودکان نیست، بلکه بزرگترها نیز به آن نیازمندند؛ از دریافت آن لذت می‌برند؛ موجب شادکامی و امید به حال و آینده می‌شود و در نهایت، زمینه‌ساز رشد، بالندگی و کمال خواهد بود [۱۷].

مثبت‌اندیشی و کارآمدی خانواده

مثبت‌اندیشی، تلفیقی از گرایش و نگرش خوش‌بینانه و مثبت در مورد خداوند، خود، افراد، رویدادها، اشیا و به‌طور کلی جهان طبیعت و ماورای طبیعت است که بر اساس آن، شخص انتظار نتایج خوب را با توجه توانایی‌های خود از جهان و رویدادهای آن دارد. بر اساس این تعریف، در افراد انسانی انتظار تعمیم‌یافته‌ای پدید می‌آید که به هنگام مواجه شدن با مشکلات در تمام حیطه‌های مهم زندگی، نتایج خوب (در مقابل بد) برایشان رخ خواهد داد. خوش‌بینی نشان‌دهندهٔ گرایشی در فرد است که بر اساس آن، بهترین نتایج را انتظار دارد و بر جنبه‌های امیدوارانهٔ یک موقعیت متمرکز می‌شود.

در منابع دینی، بر خوش‌بینی به خداوند و امیدوار بودن به رحمت او تأکید زیادی شده است. در روایتی از امام معصوم علیهم‌السلام می‌خوانیم که «یأس و ناامیدی و بدبینی، زمانی وجود انسان را فرا می‌گیرد که نسبت به خداوند و عملکردهای او بدبین باشد». در واقع، مؤمن از آن جهت به کارها، نتایج آن و آینده خوش‌بین و امیدوار است که ایمان و اعتماد به خداوند دارد و به او خوش‌بین است؛ زیرا خداوند در تدبیر همه چیز نقش دارد و فرد مسلمان نیز به خداوند خوش‌بین است و باور دارد که او کارها را به نفع بندگان خود مدیریت می‌کند. بنابراین، می‌تواند خوش‌بین باشد که او موفق خواهد شد و به کمک خداوند از کارهای خود نتایج خوب خواهد گرفت و خداوند به او کمک می‌کند تا از گزندها و آفت‌ها در امان بماند و بر مشکلات غلبه کند. پس خوش‌بینی یک عضو خانوادهٔ مسلمان، بیهوده و بدون دلیل نیست، بلکه متکی به رحمت و فضل خداوند است [۱۸].

داشتن دید مثبت نسبت به مسائل زندگی و تبیین‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوش‌آیند، بر توانایی روبرویی با مشکلات تأثیر می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌های عاطفی منفی و در نتیجه بازدارنده ایمنی کند. در این حالت، احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیشتر می‌شود و بیماری به نوبهٔ خود بر روند کارآمدی زندگی آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد. خوش‌بینی فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد. فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار

دارد امور غالباً مطابق نظر او پیش روند و همین امر کوشش او را مضاعف می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت دیدگاه مثبت نسبت به مشکلات و ناگواری‌هایی که در زندگی پیش می‌آید، بر حالات عاطفی و بهبود روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و سبب کارآمدی خانواده می‌گردد [۱۴].

یکی از ارکان زندگی مشترک و عوامل کارآمدی خانواده، مهر و محبت نسبت به یکدیگر است. آن‌گاه که برادفورد (۱۹۸۳) در زمینه رضایت زوجین از زندگی، پژوهشی درباره ۳۵۱ زوج که طول زندگی آنان از پانزده سال بیشتر بود انجام داد و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسید. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل زیر در تداوم زندگی مشترک مؤثر بوده است:

(الف) نگرش مثبت نسبت به همسر؛

(ب) داشتن این عقیده که ازدواج یک امر مقدس و یک تعهد دائمی است؛

(ج) تشابه هدف‌ها و آرزوها؛

(د) رضایت از روابط جنسی؛

از اموری که با خوش‌بینی رابطه مستقیم دارد، بروز سوء تفاهم و سوء برداشت از رفتارها و گفتارهای یکدیگر است. سوء برداشت سبب تخریب روابط مطلوب اعضای خانواده و بروز تنش و ناراحتی می‌شود. یکی از عوامل اصلی بروز اختلاف‌های زناشویی سوء تفاهم است و بهترین راه مقابله با چنین سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های غلطی، خوش‌بینی است [۱۲].

برای پدید آوردن حالت خوش‌بینی، زن و شوهر باید در ابتدای زندگی بکوشند یکدیگر را به خوبی کشف کنند و بشناسند و با سیره رفتاری و گفتاری یکدیگر کاملاً آشنا شوند، تا زمینه بروز سوءظن از بین برود. در عین حال لازم است تمام موازین اخلاقی و اسلامی را در همه رفتارها و گفتارها رعایت کنند تا شناخت و رفتار با یکدیگر همراه شده و خوش‌بینی را پدید آورد. این خوش‌بینی اعتماد متقابل را در خانواده تقویت می‌کند؛ برداشت‌های منفی از رفتارهای یکدیگر کاهش می‌یابد؛ زمینه درک مناسب و روابط صمیمانه فراهم می‌شود و اعضای خانواده با احساس آرامش و ایمنی زندگی خواهند کرد. وقتی این امور در کنار هم جمع شوند، کارآمدی خانواده را تضمین می‌کنند.

صفت اخلاقی خوش‌بینی افزون بر اینکه سبب کارآمدی خانواده می‌شود، به طور مستقیم در کارآمدی و بروز خوش‌بینی در جامعه نیز اثر می‌گذارد؛ زیرا هر سبک تبیین پدیده‌ها توسط والدین به کار برده شود، کودکان به دقت آن را یاد می‌گیرند و به خاطر می‌سپارند و در برخورد با افراد جامعه انسانی از آن استفاده می‌کنند. والدین خوش‌بین، فرزندان خوش‌بین به جامعه تحویل می‌دهند و خود نیز همین‌گونه در جامعه رفتار می‌کنند. بدین ترتیب رفتارهای جامعه انسانی بر اساس خوش‌بینی شکل می‌گیرد و یکی از عوامل کارآمدی جامعه می‌شود [۱۱].

مقام و حقوق زن در فرهنگ اسلامی

زن در قرآن اهمیت ویژه و جای بسیار برجسته‌ای دارد اسلام فکر تساوی زن و مرد را به صورت یک مسئله سیاسی و اجتماعی مطرح می‌کند چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَقَوُّوا رَبَّكُمْ لَذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» (نساء، آیه ۱) ای مردم از پروردگار خود پروا گیرید، پروردگاری که شما را از نفس واحد) اصل و جوهر (واحد آفرید و زوج او را از همان نفس آفرید و از آن زنان و مردان فراوانی پراکند) زن و مرد در فرایند تکامل مسئولیت سیاسی و اجتماعی سهمی مشترک دارند و به اندازه توانایی و امکانات جسمی و روحی خود در جهت و در واقع هدف اسلام ساختن انسان مرد یا زن به تنهایی عقیده اسلام و جهان بینی آن درباره‌ی، زن انقلابی بزرگ و پرشکوه در جهان محسوب می‌شد. زیرا اسلام با ارائه این جهان بینی یکباره همه عقاید تحقیرآمیز و بینش‌های باطل و جاهل را کنار گذاشت و به جای آن الگوی جدیدی را در روابط اجتماعی با زن به مردم عرضه کرد. در داستان‌های تاریخی قرآن به زنانی برگزیده و ممتاز برمی‌خوریم که در فراست و هوش سرشار، و در توانایی بر درک حقایق بسیار دشوار و در حل مسائل و رویدادهای اجتماعی بدان پایه و منزلت رسیده بودند که حتی بزرگترین مغزهای متفکر آن روزگار نمی‌توانستند کوچکترین اشکالی به نظراتشان وارد کنند و می‌توان ادعا کرد که در مسائل سیاسی و اجتماعی مافوق و برتری نداشتند اسلام به، زن که در طول تاریخ از حقوق انسانی خود محروم شده بود، استقلال

و شخصیت حقیقی و حقوقی بخشید و حقوق حقه و طبیعتش را مانند حقوق اقتصادی، اجتماعی، که سنتها و آداب و رسوم جاهلانه آنها را زایل کرده بود به رسمیت شناخت [۱۶].

نقش زن در جامعه اسلامی

اسلام وظیفه مهمی را بر دوش زنان نهاده که با پوشش و عفت کامل خود از راههای انحراف و فساد جلوگیری کنند و برای ترقی و کمال خود و جامعه سعی و تلاش نمایند. نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است برای این که زنان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. در دین اسلام زن جایگاه بسیار والایی دارد هم در اجتماع و هم در خانواده زن سازنده خانواده است و خانواده کوچکترین واحد اجتماعی جامعه باشد، لذا می‌توان گفت که زن سازنده جامعه است و قادرست جامعه را به سمت سعادت و تعالی و یا به سمت انحراف و فساد سوق دهد [۱۷].

وظایف زن در خانواده و جامعه

زندگی هر دسته از موجودات مفهوم ویژه‌ای دارد که با توجه به فلسفه آفرینش آنها تفسیر می‌گردد. خداوند از آفرینش گیاهان هدفی داشته، متمایز از هدفهایی که برای آفرینش حیوانات رقم زده است. بنابراین مفهوم زنده و با نشاط بودن گیاهان غیر از معنی زنده و با نشاط بودن حیوانات است. انسان نیز موجود زنده‌ای است که شاکله آفرینش او از لحاظ ظاهر و باطن و جسم و روح با سایر موجودات متفاوت و کاملتر از آنها است. او می‌تواند دامنه شناخت و معرفت خویش را تا اعماق هستی رسوخ دهد و از ملک تا ملکوت را به تسخیر خویش در آورد و همه هستی را در اختیار خویش بگیرد و از تمامیت آن ابزار و نردبانی بسازد تا به هدف نهایی آفرینش و حیات طیبه نائل گردد و زندگی حقیقی را در جوار قرب الهی و وصول به کمال مطلق جستجو نماید، و این است تفسیر زندگی و حیات انسانی. در چنین صورتی انسان وظیفه خویش را انجام داده، توانسته است به مقام انسانیت نائل گردد [۱۶]. پس وظایف زن یا مرد در خانواده یا جامعه را باید در راستای فلسفه آفرینش و چستی زندگیش جستجو کرد. به دیگر بیان: پرسش "تکلیف ما، در خانه و جامعه چیست" را می‌توان بدین گونه بیان کرد: برای رسیدن به "زندگی انسانی" و داشتن نشاط و شادمانی، و نیل به جوار قرب ربّانی، چه وظایف در محیط خانواده و اجتماع داریم و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟ نقش زن در زندگین به دلیل نقش خاصی که در دستگاه خلقت بر عهده دارد، به سرمایه‌های درونی بس گرانبهایی مجهز است که جامعه بشری در رشد خود نیازمند این ارزشها است. یکی از این سرمایه‌های درونی عاطفه است که در طول تاریخ و در تمامی اجتماعات نموده‌های بسیار شکوهمندی داشته است [۱۸]. این میل درونی اگر چه همه انسانها کم و بیش وجود دارد اما بهره زن از این عطیه الهی بیشتر است. این میل مقدس از یک سو زنان را برای همه نوع فداکاری، جهت زندگی و همسرش آماده می‌کند و همچون شمع فروزانی محفل خانواده را روشن می‌سازد؛ از سویی دیگر، زحمات طاقت فرسای پرورش نسلی را بر عهده دارد. به بیان دیگر: جامعه سالم نیازمند داشتن خانواده‌های سالم است و سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی ریزی می‌شود و شمع فروزان محفل خانواده زن است. آنان هستند که با آکنده ساختن کانون خانواده از انس و صفا و الفت می‌توانند فضای فکری، فرهنگی، دینی و گفتگوهای سیاسی و اجتماعی را نورانی کنند و عملاً درس مهر و صفا و از خود گذشتگی را از طریق فرزندان و همسران خویش به آیندگان بیاموزند. چنانکه در تنظیم صحیح اقتصاد خانواده می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد و با تدبیر و برنامه ریزی عاقلانه مرد را در تأمین هزینه و مخارج زندگی یاری رساند و به این وسیله الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشد. نقش زن در جامعه اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می‌شود و جامعه‌ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند [۱۸]. مسلماً جامعه رشد یافته‌ای نخواهد بود، زیرا جامعه از احاد انسانی تشکیل می‌شود که با تربیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی از خانواده‌ها شکل می‌گیرند و وارد اجتماع می‌گردند. اینان در تعامل با هم، آداب و سنتها و نظامها و قانون‌های خاصی را به وجود می‌آورند. که در اثر پیوند با یکدیگر، ماهیت اجتماعی پیدا می‌کنند. بنابراین سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی ریزی می‌شود و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و اجتماعی در درجه اول به عهده خانواده‌ها به خصوص مادر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که جامعه سالم نیازمند مادران سالم است و جامعه فرهنگی، دینی و ارزشی،

جامعه‌های است که مادران آن از بینش و تفکر سالم فرهنگی، دینی و ارزشی برخوردار باشند. تداوم مسئولیت در بستر اجتماع و کودک همانند جسمش به شدت در معرض تغییر و تحول است. اگر آموزش و تربیت کودک هماهنگ و متناسب با روح وی تداوم نیابد، رشد دینی و فرهنگی و اجتماع‌یاش دچار اختلال می‌گردد و زنان بهترین گزینه هستند که می‌توانند از عهدهٔ تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان بر آیند [۱۹]. چنان که رعایت مصالح اخلاقی و اجتماعی و حفظ بنیان اصیل خانواده و رفاه حال بانوان اقتضا می‌کند که مشاغلی همانند طبابت بیماری‌های خاص زنان و تعلیم و تدریس آن در دانشگاهها در اعضای زنان باشد. یک تذکر مهم زنان، رهبران اولیهٔ هدایت فکری، اعتقادی و عاطفی جامعه هستند و وظیفهٔ اصلی آنان، فروزان ساختن مشغول پر مهر و صفا و صمیمیت خانواده و حفظ اساسی و بنیان این کانون هدایت است. بنابراین بهانهٔ حضور در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی جهت تداوم مسئولیتها نباید باعث انحطاط شأن و منزلت انسانی زنان گردد و بی بندوباری و فساد اخلاقی را دامن زند و در نتیجه زمینه‌آز هم گسیختگی نظام خانواده و فرو پاشی آن را فراهم کند. تلازم حقوق و وظایف زندگی، سازمانی است که ارکان آن زن و مرد هستند. در این سازمان، وظایف و مسئولیتها در کنار حقوق و چشم داشت‌ها، قرار می‌گیرد. به بیان دیگر: هر جا تکلیف و مسئولیتی است. بحث از حقوق هم در کنار آن مطرح است [۲۰].

نقش زنان در جامعه ایران

زنان در سراسر جهان نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در اداره امور خانواده در جامعه دارند آنان برای تسریع روند تغییر و تحقق هدفهای توسعه پایدار می‌توانند مسئولیت بسیار جدی و مهمی را بر عهده گیرند. آموزش زنان و مشارکت آنان در بازار کار نقش به‌سزایی در توسعه کشور داشته به گونه‌ای که حدود نیمی از جمعیت شاغلین در کشور را زنان تشکیل می‌دهند. از سویی دیگر در هر جامعه‌ای پرورش نسل آینده به دست زنان است و حتی اگر آنها جذب بازار کار شوند آموزش می‌تواند آنها را در پرورش بهتر فرزندان یاریگر باشد. توسعه کشورهای در حال رشد برای زنان نقشی دو سویه به همراه دارد و بی گمان نقش زنان در مشارکت مفهومی فراتر از حضور آنان دارد [۲۱].

مشکلات و موانع زنان در جامعه

بررسی‌های محققان نشان داده که زمان پیدایش ستم اجتماعی بر زنان منطبق بر زمان پدید آمدن ماکیت خصوصی در جامعه است. تضاد موجود در خانواده بین مرد که دارای مالکیت خصوصی و زن که فاقد مالکیت خصوصی است بنیان وابستگی اقتصادی و شرایط اجتماعی را سامان دهد می‌که باعث تضعیف و پایمال شدن حقوق اجتماعی زن می‌شود. تضییع حقوق زن که یکی از قدیمی‌ترین شکل حاکمیت قدرت نهفته است که در اصل چیزی جز تضاد طبقه‌های اجتماعی نیست [۲۲].

نقش بهداشت روان زن به سلامت خانواده

بهداشت روان زنان تأثیر بسزایی بر روی اعضای خانواده دارد بطوری که اگر بهداشت روان افراد خانواده تأمین نگردد آسیب‌های شدیدی بر روی افراد خانواده و جامعه خواهد گذاشت [۲۳]. امروزه با پیشرفت جوامع بشری و حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه آنها به یک نیروی اصلی تبدیل شدند. و منزلت اجتماعی آنان در یک جامعه با توجه به حضور در محیط کار (همراه با مردان) می‌بایست مهم تلقی شود و بی تفاوت جلوه دادن کار زن تأثیر منفی بر سلامت آنها و خانواده خواهد داشت. [۲۴] در واقع انتظار از زنان به سبب ماهیت وجودیشان از لحاظ جسمی و عاطفی بالاست که منجر به افزایش فشارهای روانی و اجتماعی بر زنان می‌گردد و تمام ابعاد سلامت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس می‌توان گفت امنیت سلامت یک خانواده و یا یک جامعه نقش موثری بر سلامت روانی زنان دارد از موارد دیگری که بر سلامت روانی زنان نقش دارد می‌توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. همچنین محیطی که زن در آن زندگی می‌کند نیز بر سلامت روانی و اجتماعی خانواده و جامعه نقش دارد زندگی در روستا کمتر از شهر زن را وابسته به وسایل نقلیه اشتغال خارج از خانه و ... می‌کند. اشکالاتی که به مادر فشار آورده و سبب می‌شود تا مادران حمایت کافی از فرزندان و همسر خود نداشته باشند [۲۵].

نقش و جایگاه زنان

نظریه پردازان در مورد نقش و جایگاه زنان نظریه‌های مختلفی ارائه داده‌اند که در هر کدام از این نظریات عقاید متفاوتی در مورد زنان و جایگاه آنان وجود دارد از جمله نظریه‌های مهم در رابطه با این موضوع، نظریه‌های فمینیستی است که باز هم پیرامون این نظریه به دو گروه تقسیم می‌شوند [۲۶].

تأثیر شیوه‌های فرزند پروری زنان بر سلامت خانواده و جامعه

زندگی خانوادگی نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و زنان دارد. خانواده اولین و مهمترین یافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک، یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهدیم تقریباً همه کودکان در طول رشد خود و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند اکثر مشکلات کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده و بویژه مادران می‌باشد [۲۷]. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری در فرزندان به منزله‌ی روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی (فرزند پروری نادرست والدین و بخصوص زنان مادران) و تعاملات معیوب آنها با فرزندان ارتباط دارد. منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود بکار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خود وضع می‌کنند ولی باید پذیرفت که الگوهای فرزند پروری به واسطه‌ی، فرهنگ نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند [۲۸].

جایگاه زن به عنوان انسان

یکی از برکات و امتیازات اسلام آن است که در گام اول خود زن را محترم شمرد و بر انسانیت و شایستگی او در ادای تکالیف و مسئولیت و شایستگی در کسب پاداش ورود به بهشت تأکید ورزید و اسلام زن را به عنوان انسانی محترم می‌نگریست که در تمام حقوق انسانی با مرد همسنگ و مساوی است منشأ خلقت مردمان اعم از زن و مرد یک نفس واحد است [۲۹]. خداوند از همان نوع جفت و همسری آفریده تا یکدیگر را آرامش بخشیده و نقص و کمبودهای همدیگر را جبران نمایند چنانکه خداوند می‌فرماید: هُوَ لَذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا " اعراف (۱۸۹): اوست آن کسی که شما را از نفسی واحد آفرید و جفت وی را از آن جنس پدید آورد تا در کنار او آرام بگیرد اهمیت خانواده بر کسی پوشیده نیست، محوریت و نقش حیاتی و زیربنایی آن در تربیت، نسل سامان بخشی به فکر و اعصاب افراد خانواده و از آن جمله مرد، و تشکیل هسته‌ی اصلی جامعه روشن است. اکثر دانشمندان خانواده را مهمترین نهادی دانسته‌اند که جامعه و کودک را تغذیه و پرورش می‌دهد و خانواده در سازگاری و انحراف کودک نقش اساسی دارد تأمین سلامت فردی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن نقش خانواده امکانپذیر نیست [۳۰].

هویت فرهنگی

هویت یعنی کیفیت یکسان داشتن در ذات ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و همه شرایط هویت داشتن یعنی یگانه بودن ولی از جنبه‌ی متفاوت همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان مانوئل کاستل هویت را «فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر یک یا، دیگر منابع معنا برتری دارند تعریف کند. [۳۱]

توسعه فرهنگی اسلام

در یک جامعه دینی و اسلامی که ماهیت ارزش‌های فرهنگی آن را آموزه‌های الهی تشکیل می‌دهد، یکی از عوامل مهم و بنیادی دین است لذا واکاوی نقش دین در فرهنگ سازی و توسعه فرهنگی در این کشورها از جایگاه خاص و ویژه برخوردار است توسعه

فرهنگی در دو بعد ایستایی دموکراسی فرهنگی و پویایی پویایی (فرهنگی مطرح است در بعد ایستایی، توسعه فرهنگی عبارت است از توزیع عادلانه امکانات و فرصتهای فرهنگی برای تمام شهروندان و در بعد پویایی معطوف به ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه پاسخگوی به نیازهای زمانه است مهمترین شاخصهای توسعه فرهنگی نیز عبارتاند از عقل گرایی و اهمیت دادن به نقش، عقل علم گرایی و نگرش علمی به مسائل، نگرش مثبت در قبال دنیا و امور دنیوی باور به آزادی بیان و اندیشه، نگرش پویا به فرهنگ و پلورالیسم فرهنگی با مراجعه به آیات و روایات آموزه‌های را می‌توان یافت که با عناصر توسعه فرهنگی همپوشی دارند برخی از مهمترین این آموزه‌ها عبارتند از: دعوت به تعقل، تأکید بر علم و اندیشه پیوستگی میان دنیا و آخرت تأکید بر نقش و اهمیت کار، حرمت اسراف و تبذیر، مذمت فقر، مبارزه با خرافات باور به داشتن قدرت و عزت اهمیت آزادی بیان، باور و تأکید به تعامل فرهنگی است [۳۲].

نتیجه گیری

مسائل اخلاقی به سه دسته تقسیم می‌شوند (الف) مسائلی که محورشان رابطه انسان با خداست (اخلاقی الهی)؛ (ب) مسائلی که محورشان رابطه انسان با خودش است اخلاق فردی؛ ج مسائلی که محور آنها را روابط اجتماعی انسان با دیگران تشکیل دهد (اخلاق اجتماعی) وقتی در محاورات عرفی گفته می‌شود کسی که اخلاقش خوب است یا خوب نیست، منظور همین ر همین ملکاتی است که در روابط او با دیگران خودنمایی می‌کند. دو اسلامی و اینکه موضوع اخلاق، مطلق فعل جتماعی که با توجه به بینش اسلام اختیاری انسان اعم از اجتماعی و غیر اجتماعی است حاصل شده است؛ زیرا هر فعل اختیاری چه اجتماعی و دسته اول، در واقع توسعه اخلاق عرفی است که چه غیر اجتماعی می‌تواند دارای ارزش مثبت یا منفی باشد و در محدوده مسائل اخلاقی قرار گیرد [۱۵].

در منابع دینی، آموزه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی برای رشد و تعالی در جنبه‌های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی زندگی خانوادگی بیان شده است. صبر، راستگویی، تکریم احترام متقابل مدارا با یکدیگر، دلسوزی و مهربانی و مثبت اندیشی و خوش بینی، از مهمترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند. توجه نکردن به دستورهای اخلاق اسلامی در شکل دهی رفتار و تعامل با دیگر اعضای خانواده موجب نا کارآمدی آن می‌شود. براساس منابع دینی، عمل به دستورالعمل‌های اخلاق اسلامی بر استحکام نظام خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند [۱۷].

بر خورداری اعضای خانواده از فضایل اخلاقی و عمل به آنها نه تنها سبب نجات در قیامت است بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به عنوان کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد. اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. خانواده بهترین محیط برای آموزش آموزه‌های اخلاق خانوادگی به فرزندان است [۱۲].

بهداشت روان زنان تأثیر به سزایی بر روی اعضای خانواده و جامعه دارد بطوریکه اگر بهداشت روان افراد خانواده تأمین نگردد آسیب‌های شدیدی بر روی جامعه خواهد گذاشت. زن محور تغذیه خانواده است و چگونگی آگاهی اوست که منابع مالی را تقسیم و مواد غذایی مورد نیاز خانواده را تهیه می‌کند به طور خلاصه زن از دو دیدگاه باید در خصوص تغذیه و سلامت خانواده مورد توجه قرار گیرد اول تغذیه او و اهمیت تغذیه مناسب در دوران متفاوت که ناشی از تفاوت‌های بیولوژیک شامل، بلوغ، بارداری، شیردهی و یائسگی است که باید درک شود و حمایت‌های لازم را از طرف خانواده و دولت برای سلامت و توانمندی خود دریافت کند. از طرف دیگر زن بعنوان کلیدی‌ترین فرد از تغذیه افراد خانواده نقشی ویژه در سلامت خود و همسر و فرزندان دارد که سواد و آگاهی‌های تغذیه‌ای اوست که الگوی بیماری و سلامت جامعه را رقم می‌زند از طرفی رشد وجدان در فرزند نیز به میزان زیادی به رابطه او با مادر بستگی دارد. نظام‌های ارزشی فرد معمولاً از طریق همانند سازی با مادر ایجاد می‌شود و بر محبت و اعتماد استوار است. در مادران ضد اجتماعی فرایند همانند سازی معیوب است و کودک در پیوند دادن خود به مادر به عنوان سرمشق و یا منبع امن دچار مشکل می‌باشد. [۱۵].

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده تأثیر گذار می‌باشد از جمله مؤلفه‌های تأثیر گذار بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده استحکام بنیان خانواده تربیت صحیح فرزندان و ارتقاء جایگاه معنوی زن می‌توان نام برد. بنابراین می‌توان گفت با ارتقاء فرهنگ اسلامی می‌توان به توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده کمک نمود. علاوه بر آن با توجه به قرآن و روایات زن دارای مقام و منزلت در اسلام می‌باشد و از جایگاهی مانند مردان برخوردار است که می‌تواند علاوه بر اداره منزل و تربیت فرزندان، در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و... نقش ایفا کند [۲].

منابع و مراجع

- ۱) خرم آبادی، یدالله، خانی، نبی، (۱۳۹۵)، بررسی حقوق زن در اسلام اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
- ۲) شهربانو چتری. (۱۳۹۶) نقش فرهنگ و اخلاق اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده. پژوهش‌های اخلاقی. ۴۹-۶۶.
- ۳) پورحانمی، زهره، (۱۳۹۴)، نقش زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی پورتال سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی
- ۴) قیصری پور، رضا، غلامی، پور، زهرا (۱۳۹۳) اقتصاد خانواده در فرهنگ اسلام با تاکید بر نقش زن دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
- ۵) طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، ۱۴۱۲.
- ۶) فیض کاشانی، محسن، المهجۃ البيضاء فی تهذیب الاحیاء، بیروت، نشر اعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳ م.
- ۷) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- ۸) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
- ۹) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- ۱۰) مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رض)، ۱۳۸۴.
- ۱۱) مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
- ۱۲) نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۳) حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۴) دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالاندلس، بی تا، ج
- ۱۵) محمد مهدی صفورایی پاریزی. ۱۳۸۸. اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده. معرفت اخلاقی ۱. ۹۱.
- ۱۶) اسکندری نژاد، (۱۳۹۱) نقش شخصیت مادر در تربیت دینی، فرزند، فصلنامه زن و فرهنگ. عطاش،
- ۱۷) علیرضا، (۱۳۹۲)، جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم فصلنامه علمی پژوهشی زن
- ۱۸) فاطمه نظری. (۱۳۹۹). نقش و شخصیت زن در رشد و توسعه فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام
- ۱۹) خوشدل، مریم، (۱۳۸۹) شخصیت زن در یهود و اسلام با تاکید بر جایگاه عرفانی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد
- ۲۰) از کیا، مصطفی و غلامرضا. ما غفاری (۱۳۸۶) جامعه شناسی توسعه تهران: کیهان، چاپ ششم.
- ۲۱) ساروخانی باقر (۱۳۸۰) درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، چاپ سوم، بر دایره المعارف علوم اجتماع
- ۲۲) حامد محمدی، فاطمه عابدی. (۱۴۰۳) جایگاه زن و خانواده در لایحه برنامه هفتم توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات توسعه اجتماعی ایران ۳. ۷۹-۹۲.
- ۲۳) امینی، (۱۳۸۶) ابراهیم همسر داری قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
- ۲۴) سالاری، (۱۳۸۵) فر محمد رضا خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم پژوهشگده حوزه و دانشگاه و سمت،
- ۲۵) سبزواری محمد (۱۳۸۴) جامع الاخبار، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق. ستیر، ویرجینا، آدم سازی در روان شناسی خانواده ترجمه بهروز بیرشک، تهران، رشد،
- ۲۶) زهرا دم شناس، فرشته کمالی رمضان پور، منصوره حداد، فریده صراف. (۱۴۰۲) نقش زن و خانواده در پیشرفت تحصیلی. اولین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزش
- ۲۷) زهره اولیائی. (۱۳۹۹). شخصیت شناسی زن با رویکرد تطبیقی در آثار هنری و فرهنگ اسلامی. نشریه زن و مطالعات خانواده ۴۸. ۳۹-۲۳.
- ۲۸) فهیمه حاج انوری، میترا ملکی، مریم جهان پناه، لیلا صالح زاده. (۱۴۰۲) نقش فرهنگ اسلامی در پرورش شخصیت دانش آموزان. اولین همایش بین المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم
- ۲۹) طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق شریف رضی، ۱۴۱۲. فیض کاشانی، محسن، المهجۃ البيضاء فی تهذیب الاحیاء، بیروت، نشر اعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳ م. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ترجمه سید جواد، مصطفوی، تهران، فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- ۳۰) مجلسی، (۱۳۷۹) محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث،
- ۳۱) مصباح، (۱۳۸۴) محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه، آن قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- ۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷) اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام،
- ۳۳) ستیر، ویرجینا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، رشد، ۱۳۸۴.